

## توقیف احتیاطی

حقوق جزا و آیین دادرسی کیفری ایران ترکیبی است از حقوق جدید اروپائی و فقه. نتیجه اجرای این قوانین که خصوصاً با مطالعه اوضاع و احوال و شرایط اجتماعی ایران تنظیم نشده است اشکالات و عوارضی است که در عمل پیش میآید و آنچه منظور قانونگذار و مصلحت اجتماع است برآورده نمیکردد. ضعف دستگاه قضائی نیز باعث میشود که قوانین ناقص دربارہ همه افراد بالسویہ اجرا نشود و تنها ضمهادر بیچ و خم قوانین گیر بیفتند در جوامع اروپائی سلب آزادی (توقیف و حبس) بعنوان شدیدترین مجازات پیش بینی شده، اما در اجتماع مامستله فوق العاده ای نیست و حبس زندان در عین حال که دامنگیر اقویا نمیشود درد شکاة خصوصی را هم دوا نمیکند. از طرف دیگر کسانی هستند که بهنگام ارتکاب جرم بمواقب آن نیز توجه دارند و زندان نمیتواند آنها را از تباہکاری باز بدارد. دستگاههای جزائی اکثر با افراد طبقه سوم و محرومی سروکار دارند که در اثر فقر و استیصال بارتکاب جرائم کشیده شده اند آقای دکتر جباری در مقاله جالب زیر یکی از مسائل مهم و مبتلابه را طرح کرده اند.

« اندیشه و هنر »

مطابق اصول هر گاه شخصی در امر حقوقی بردیگری اقامه دعوی نمود و پس از رسیدگی مراجع صالحه محکوم ببیحقی گردید مدعی علیه حق دارد خسارت وارده بر خود را از مدعی بخواهد. در امور جزائی نیز علاوه بر حق مطالبه خسارات مادی و معنوی بمشتکی عنه حق داده شده است در صورت تحصیل برائت شاکی را بعنوان مفتری تحت تعقیب جزائی قرار دهد.

حال چون تعقیب جزائی دارای دو جنبه خصوصی و عمومی است و جرم از جنبه عمومی توسط دادسرا تعقیب میشود این بحث پیش میآید که آیا متهم در صورت تحصیل برائت میتواند مانند مدعی خصوصی دادسرا را نیز تحت تعقیب قرار دهد؟ البته تا جائی که اطلاع دارم تا این تاریخ هیچ کشوری این حق را برای متهم قائل نگردیده است زیرا تجویز این امر حفظ منافع جامعه و برقراری نظم

را در اجتماع دشوار میسازد و از طرف دیگر چون اکثر پرونده‌های دادسرا بعلت  
فقد دلیل و تلاش متهمین در محو علائم و آثار جرم و تبانی آنان با شهود و توسل  
با اعمال نفوذ منتهی بصدور قرار منع تعقیب می‌گردد پرداخت خسارت از لحاظ مادی  
خزانه دولت را متضرر خواهد ساخت و چه بسا شیادانی هم با فراهم نمودن وسائل  
تعقیب خود با اتهامات بی اساس و سپس مطالبه خسارت بکیسه نپی خویش رونقی  
خواهند بخشید بعلاوه دادسرا نیز در این موقع و برای احتراز از خسارت بیطرف  
محض باقی نخواهد ماند و سعی خواهد نمود بوسائلی از پرداخت خسارت رهایی  
یابد و خروج دادسرا از حدود بیطرفی هم بنفع متهمین نیست.

ولی البته علمای حقوق جزا دنبال راه حلی می‌گردند تا بکمک آن بتوان  
از شدت عمل دادسراها نسبت بمتهمین در جریان تحقیق کاست و اشخاصی که هنوز  
گناهشان ثابت نشده است تا حدی که تعقیب جرم و حفظ منافع جامعه با اشکال  
مواجه نشود از توقیف و تسلیم تأمینات سنگین در امان باشند.

مثلا همین توقیف احتیاطی که در اختیار دادسراها می‌باشد اگر در مورد  
متهمی اعمال شود بعد از احراز برائت او قابل جبران نیست زیرا مدت مدیدی  
از آزادی خود محروم گردیده و بحیثیت او لطمه خورده است و بهمین دلائل مسئله  
توقیف احتیاطی یکی از مسائل پیچیده و مشکل حقوق جزا می‌باشد  
در اکثر گذشته مسئله توقیف احتیاطی در کنگره بین المللی رم مطرح گردید و  
اعضاء کنگره که مرکب از علمای مشهور سراسر دنیا بودند در اعلامیه خود از  
دول جهان تقاضا نمودند که توقیف احتیاطی متهمین را يك امر استثنائی تلقی  
نموده و دادسراها را مکلف نمایند در موقع صدور قرار رعایت شرایط و مقرراتی  
را بنمایند.

برای توجیه این تصمیم کنگره باید اضافه نمایم که اساسا توقیف احتیاطی  
در مرحله تحقیق مخالف دو اصل زیر است که در اعلامیه حقوق بشر قید شده است  
۱ - اصل برائت که بر طبق آن بی گناهی هر فرد فرض اولیه است تا خلاف آن به  
اثبات رسد ۲ - هیچکس را نمیتوان توقیف و زندانی نمود مگر بحکم قانون .  
و قانون نیز فقط مجرم را مستحق توقیف و زندانی شدن دانسته است .

البته درخواست کنگره حقوق جزای روم در روش دولت‌ها پندار تاثیر  
نمود و حتی تاریخ نشان میدهد که رعایت این ارفاق در طول زندگی ملت‌ها نیز  
با روح آزادی طلبی حکومتهای وقت رابطه مستقیم داشته است .

مثلا در فرانسه بانیان انقلاب در قانون ۱۷۹۶ اصول اعلامیه حقوق بشر  
را رعایت نموده و توقیف احتیاطی را ممنوع ساختند و فقط در مورد جرائم بسیار  
بزرگ استثنائی قائل گردیدند ، ولی در اندک زمانی معلوم شد که در جریان تحقیق  
اشکالات زیادی ایجاد میشود و در اکثر موارد بدون توقیف متهم حفظ منافع جامعه  
امکان پذیر نمی‌باشد مثلا وقتی که متهم از مجرمین سابقه دار است آزادی فوری  
بر جرمت و بی باکی او خواهد افزود و سیاست جزائی دولت اقتضا دارد که بر  
این افراد فشار بیشتری وارد آید و یا در موردی که منم فاقد منزل و اقامتگاه

معینی می باشد و دوباره پیدا کردن او مشکل است بازمانی که احساس شود متهم قصد فرار از کشور را دارد و خروج او مانع احقاق حق خواهد بود یا بالاخره در مواردی که متهم از جمله کسانی باشد که آزادی او تحقیقات را متوقف نماید آثار و علائم جرم را از بین ببرد و شهود را از ادای شهادت منصرف سازد حفظ منافع جامعه توقیف متهم را ایجاب مینماید و همین مشکلات نیز باعث شد که چندین سال بعد از انقلاب کبیر قانون ۱۸۰۸ وضع شود و بطور در بست حق توقیف احتیاطی را بدادسراها تفویض نماید :

پس از تصویب قانون مذکور باز هم افراط در اصدار قرار توقیف فریاد مردم را بلند نمود و دستگاه دادگستری هر چند گاه بخشنامه ای صادر نموده و تذکراتی داد که البته نتوانست جلوی افراط کاری دادسرا و فریاد مردم را بگیرد تا بالاخره قانون سال ۱۹۲۵ برای توقیف احتیاطی مدتی قائل شده و قرار توقیف را هم در کنترل محکمه بدایت قرار داد که این قانون نیز با شروع جنگ بین الملل ۱۹۳۹ الغاء شده و وضع بحال سابق باقی مانده.

ولی هنوز فریاد مردم فرانسه از رویه دادسراها در مورد توقیف احتیاطی بلند است و این مردم رضایت هر چند گاه که بهانه نازده بدست میافتد شدت مییابد مثلا چندی پیش بار که پاریس بعلمت نقض تمیزی مجبور شد قرار توقیف زنی که مدت ۵۶ ماه از عمر خود را در حال توقیف احتیاطی بسر برده بود تبدیل نماید و این امر یعنی چهار سال و نیم زندانی کردن زنی که مجرمیت او هم مورد تردید محاکم قرار گرفته بود حیثیت دادسرا را در معرض لطمات بسیاری قرار داد و مقالات تنیدی در جرائد نوشته شد و همه از دولت خواستند با پیدا نمودن راه حلی بدین افتضاح خاتمه دهد.

در کشور ما ۹۰ درصد قرار توقیفها مربوط با اتهامات مردم بیچاره است که بکار روزانه برای اعاشه و امرار معاش عائله خود احتیاج دارند این سلب آزادی کاسه و کوزه و وسائل زندگی آنها را نیز در گرو نان قرار میدهد. مدت توقیف اینقبیل اشخاص اکثر طولانی میشود زیرا آنها وسیله و یا اوزی برای مراجعه ببازپرسی ندارند و همچنین عدم مراجعه کسان متهم وارجاعات و گرفتاریهای روزانه بازپرس مجال انجام تحقیقات را باو نمی دهد و مدتها پرونده زندانی بیچاره در گوشه ای را کدو بدون اقدام میماند اکثر دیده میشود که بازپرسان دادسرا قرار توقیف متهمی را صادر نموده و پس از مراجعه بستگان متهم اخذ رضایت شاکی را شرط تبدیل تامین قرار میدهند و این عمل بخصوص در مورد جرائم قتل غیر عمد هر روز تکرار میشود و چون تحصیل رضایت ورثه مقتول جز با پرداخت پول بعید میباشد در نتیجه مستنطقین دادسرا قبل از رسیدگی و احراز تقصیر و خطای متهم بکنوع جریمه نقدی را باو تحمیل مینمایند.

باین ترتیب توقیف احتیاطی متهمین در امور جزائی با دو مسئله بزرگ اساسی مربوط میشود: حفظ منافع جامعه جمع آوری ادله جرم و مجازات مجرم از یکطرف و حفظ و احترام آزادی و حیثیت افراد واجتناب از توقیف و سلب آزادی متهمین

بار از يك نويسنده بچاپ ميرسد ، در بونه فراموشي و سكوت مي افتد .  
وقتيكه يك بنگاه انتشار براي علامت مخصوص خود اعتباري بدست آورد ، اين مسئله بزرگ ( كه غالبا منجر به ياس و سكوت نويسندگان مي شود ) بخودي خود حل مي گردد . زيرا مردم نه باعتبار نويسنده اي كه هنوز نشناخته اند ، بلكه بخاطر اعتمادی

که بينگاه نشر کتاب دارند ، کتاب را می خردند و علامت بنگاه ناشر را بعنوان ضمانت بر جالب و خواندنی بودن کتاب ، می پذیرند .  
بنگاه نیل این موضـوع را بخوبی دریافته است .

۱ . باهداد

۲۴ / خرداد / ۱۳۳۴

بقیه از صفحه ۵۵۲

بینگاه از طرف دیگر . گواينکه هنوز موضوع توقیف احتیاطی بطور قطع حل و فصل نشده و راهی برای احترام از اجتناب از اشکالات و ایرادات و مضار و مفاسدی که اجرای مطلق یا ترك مطلق آن در بر خواهد داشت بدست نیامده است معذالك در مكاتب مختلف و كشورها بر حسب تمایلات اجتماعی و مشربهای خاصی بيكي از دو طرف مسئله تمایلی مشهود میشود . قدر مسا و روشی كه زيادتر با عدالت توام باشد آنست كه برای توقیف احتیاطی حدود و شرایطی پیش بینی گردد تا منافع جامعه و آزادی و احترام افراد هر دو حفظ شوند و هيچيك قربانی دیگری نباشند .

موريس كارسن عضوا كامي فرانسه و وكيل دانشمند و مبرز پاریس در این زمینه تحت عنوان « وجود يك قانون برای دفاع از حق متهمین در قبال توقیف های احتیاطی طولانی لازم است » پس از بحث در باره سابقه تاریخی و علت تفویض این اختیار بداد سر امینو بسد :

اولا باز پرس باید برای صدور قرار توقیف متهم استدلال نماید و بگوید بچه دلیل و از چه جهت با صدور قرار توقیف شخصی که هنوز بجرم اورسیدگی نشده است مبادرت نموده تا متهم نیز بتواند دلائل عدم لزوم آنرا بیان نماید .  
ثانیا قرار توقیف احتیاطی باید مانند کشور انگلستان و بلژيك دارای مدت معینی باشد و پس از انقضاء مدت جز بتصویب محكمه قابل تمدید نباشد .  
ثالثا رسیدگی بدرخواست آزادی متهم نباید در يك جلسه سری محكمه بعمل آید زیرا خستگی کارهای روزانه قاضی مانع از این است كه در غیاب زندانی بطور دقیق بدرخواست اورسیدگی نماید .

دکتر علی جباری